

جمع‌بندی بخش یکم

اهمیت دوره صفوی و سده هجدهم (۱۰۷۹ تا ۱۱۷۹ ش)

اکنون بد نیست جزئیات تجربی سرگذشت تاریخی مان را واگذاریم، به عقب برگردیم و تار و پودهای نظری و جامعه‌شناختی تحلیل را طوری بیافیم که بار دیگر رابطه میان دو نحوه توضیح و تبیین روشن شود. تا اینجا بر سه لحظه عمده در تاریخ تحول اجتماعی در ایران در فاصله سالهای ۱۵۰۰-۱۸۰۰ م/ ۸۷۹-۱۱۷۹ ش تمرکز داشته‌ایم: لحظه اوج در سده هفدهم (۹۷۹ تا ۱۰۷۹ ش)، لحظه سقوط صفویه در ۱۷۲۲ م/ ۱۱۰۱ ش و لحظه بحران و آشفتگی سده هجدهم (۱۰۷۹ تا ۱۱۷۹ ش).

ایران در زمان شاه‌عباس و جانشینان بلافصل او در سده هفدهم (۹۷۹ تا ۱۰۷۹ ش) به اوج رونق اقتصادی رسید. این قولی است که جملگی بر آنند. بحث فصل دوم این بود که صورتبندی اجتماعی کلی ایران با توجه به اصطلاحات مارکسی توضیح داده شود و گفتیم که صورتبندی مزبور دربست، فئودالی یا وجه تولید آسیایی نبوده، بلکه آمیزه سه‌رگه‌ای از سه شیوه به هم مرتبط تولید - شبانکارگی چادرنشینی بخش قبیله‌ای؛ نظام سهم‌بری دهقانی شامل ملاکان بزرگ (دولت، تیولداران، متولیان موقوفه‌ها و بخش خصوصی) در کشاورزی؛ و شیوه تولید خرده‌کالایی دولتی و بخش خصوصی در اقتصاد شهری - بود. پیچیدگی این سازمان اجتماعی بدان معنا نیز بود که ایران در سده هفدهم (۹۷۹ تا ۱۰۷۹ ش) دارای چندین طبقه حاکم - رؤسای قبیله‌ها، کنترل‌کنندگان درآمدهای ارضی، بازرگانان و روحانیان - بود که خاندان صفوی بر همه اینها تفوق داشت چون شاه در رأس هر سه شیوه تولید قرار می‌گرفت و مازاد همه آنها را

به خود اختصاص می داد. سلطه دولت صفوی از عوامل تعیین کننده دیگری نیز برخوردار بود: موفقیت حکومت مطلقه اش بر چند مشروعیت - از جمله حقوق الهی پادشاهان ایران قبل از اسلام؛ اعتبار نخستین بنیانگذاران دودمان صفوی به عنوان مرشدان صوفیه؛ ادعای صفویه به اینکه از تبار امامان شیعه اند؛ اعتبارشان به عنوان نخستین پایه گذاران اولین دولت شیعی؛ و قرار دادن شیعه به عنوان دین رسمی ایرانیان - استوار بود. این عوامل همگی برای دودمان حاکم در میان قبیله ها، دهقانان و شهرنشینان، موجب احترام و اقتدار می گردید. سلسله صفوی با ۲۲۲ سال حکومت بعد از گذشت هزار سال، طولانی ترین سلسله حکومتی ایران بود و از آن زمان تاکنون نیز هیچ سلسله ای به آن اندازه عمر نکرده است. این خود نشان می دهد که سلسله صفویه از چه ثبات سیاسی گسترده ای برخوردار بوده است.

در ارزیابی روابط خارجی ایران در سده هفدهم (۹۷۹ تا ۱۰۷۹ ش) باید گفت این روابط قبل از هر چیز از نظر کیفی بر مبنای برابری با قدرتهای بازرگانی در حال پیدایش (هلند، انگلستان و فرانسه) و امپراتوری های همسایگان قدرتمند ایران (هندوستان مغولی، عثمانی و ازبکها) استوار شده بود. در زمینه آمیزه تراز بازرگانی مواد خام و «ساخته شده» و تخصیص سودها نیز هیچ گونه نشانی از وابستگی ایران به اروپا در نخستین مرحله های برقراری روابط به چشم نمی خورد. ایران از لحاظ نظام جهانی، یک امپراتوری جهانی در عرصه خارجی (بیرونی) بود و یا بهتر است بگوییم از دید ایرانیان، اروپا بخشی از عرصه خارجی ایران محسوب می شد. هر دو طرف بخوبی خودکفا بودند، از نظر ساختاری مستقل از یکدیگر بودند و بنابراین در معاملات و داد و ستدها به عنوان قدرتهای برابر با هم روبرو شدند. این رابطه نیز عاملی دیگر در ثبات اقتصادی ایران و موقعیت والای شاه بود، شاهی که از تجارت جهانی در داخل کشور بیش از سایرین سود می برد.

این ساختار اجتماعی با همه عمر طولانی اش، دستاوردهای مادی و فرهنگی اش و اقتصاد سیاسی استوارش، حالتی ایستا داشت. وجود چند شیوه تولید بر گرایشهای کشمکش طلبانه می افزود و این کشمکشها را در مسیرهای خاصی شکل می داد. جنبشهای مردمی و دهقانی، قبیله ای و طبقه های بازاری در سده های شانزدهم (۸۷۹ تا ۹۷۹ ش) و هفدهم (۹۷۹ تا ۱۰۷۹ ش) کم نبودند اما موانعی بر سر راه سازماندهی

مقاومت در سرتاسر بخشهای اقتصادی و جغرافیایی وجود داشت که موفقیت جنبشها را در کسب قدرت سیاسی یا استقلال محلی خیالپردازانه جلوه می‌داد. برعکس، کشمکش درون‌گروهی و بیرون‌گروهی نخبگان در عصر صفویه برجستگی بیشتری داشت. به دنبال چندین جنگ داخلی قبیله‌ای در سده شانزدهم (۸۷۹ تا ۹۷۹ ش)، دولت صفوی در اوایل سده هفدهم (۹۷۹ تا ۱۰۷۹ ش) موفق شد قدرت خودکامه خود را بر نخبگان قبیله‌ای تحمیل کند. دو نسل بعد، کشمکش بین‌گروهی نخبگان در چارچوب دودمان حاکم، دسته‌جات گوناگون حرمسرا و روحانیان برجسته را نیز دربر گرفت و از توان پادشاهان صفوی، در امر کنترل این نظام دستخوش تفرقه، تا حد زیادی کاست. بطوری که جانشینان شاه عباس نتوانستند سیاستهای او را پیش ببرند. در همان زمان نشانه‌های بحران مالی نیز آشکار گردید. تراز منفی بازرگانی خارجی، نقدینگی ایران را از کشور خارج ساخت، قیمتها در داخل بالا رفت، در حالی که هزینه‌های دولت، دربار، حرمسرا و ارتش به نحو غیرعادی افزایش یافته بود. بدین ترتیب روابط اقتصادی خارجی نقش خود را در نابسامانیهای اقتصادی و سیاسی ایران این دوره ایفا کرد، نابسامانیهایی که تا حد زیادی بر اثر عوامل تعیین‌کننده داخلی به وجود آمده بودند.

دودمان صفوی در اوایل سده هجدهم (۱۰۷۹ تا ۱۱۷۹ ش) به ورطه بحران توأمان اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیکی کشانده شد. مشکلات بودجه، نزاع طبقه حاکم و صلح طولانی با عثمانی همگی از قابلیت‌های نظامی ایران کاستند. پیگرد اقلیتهای مذهبی غیرشیعه، بافت اجتماعی را سست کرد، فرماندهان و صاحب‌منصبان نظامی گرجی، بازرگانان ارمنی، جامعه‌های هندو و زرتشتی و از همه مهمتر، گروههای قبیله‌ای سنی مذهب حاشیه‌های امپراتوری در ایالت‌های قفقاز، بلوچستان، خوزستان و افغانستان احساس بیگانگی کردند. ارتش کوچکی از قبایل افغانی در ۱۷۲۲ م/ ۱۱۰۱ ش به آسانی تمامی بنای دولت صفوی را درهم ریخت، هیچ ارتش ایالتی به یاری شاه محاصره شده صفوی نشتافت، ارتشی که در طی چند دهه مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته بود بر اثر خیانتها و نارضایتی‌های عمیق، اقدام به هر نوع عملیاتی را از پیش بیهوده تلقی می‌کرد. با سقوط دولت صفوی، امپراتوری سریعاً از هم پاشیده شد و همسایگان قدرتمندتر و متجاوز ایران، یعنی عثمانی و روسیه، به صفحات غرب و شمال ایران رخنه کردند بطوری که در سال ۱۷۲۴ م/ ۱۱۰۳ ش کشور دست‌کم بین چهار مدعی - افغانها، روسیه، عثمانی و

تھماسب میرزا و نیروهای بازمانده صفوی و بزودی نادر - تقسیم شده بود.

عمق فاجعه‌ای که در طی هشت دهه بعدی، یعنی باقیمانده سده هجدهم (۱۰۷۹ تا ۱۱۷۹ ش) بر مردم ایران وارد شد از همان دهه ۱۷۸۰م/۱۶۰ ش مشخص بود که نماینده کمپانی هند شرقی انگلیس گزارش داد «مقایسه گذشته و حال ایران از هر لحاظ رقت‌انگیز است.»^(۱) ژان اوین مورخ معاصر، سده هجدهم (۱۰۷۹ تا ۱۱۷۹ ش) را «فاجعه‌بار... و تا این زمان تاریک‌ترین دوره تمامی تاریخ ایران بعد از اسلام»^(۲) توصیف می‌کند. تحلیل ما در مورد شرایط ایران در آمد و رفت حکومت‌های افغانها، نادرشاه، کریمخان و روی کار آمدن سلسله قاجار، آن است که فروپاشی اقتصادی، جابجایی اجتماعی، جنگ‌های داخلی و خارجی، قحطی، بیماری و مهاجرت هرچه بیشتر موجب انهدام اقتصاد و جمعیت کشور شد.

پیامد این تجربه با توجه به دستاوردهای دوره صفویه، بسیار عمیق بود. وارونه شدن پویش داخلی تحول اقتصادی ایران بسیار تکان‌دهنده است. جهانگیر صالح و الساندرو بائوسانی بر این عقیده‌اند که با سقوط دولت صفویه یک فرصت تاریخی از دست ایران رفت چون ایران می‌توانست سرمایه‌داری بومی و اصیل خود را خواه با هدایت دولت از بالا و خواه با سرمایه‌بازرگانان بخش خصوصی ایجاد نماید.^(۳) شاید حدی از گزافه‌گویی در این مطلب وجود داشته باشد، اما در عین حال جای بسی تأمل است که اقتصاد سیاسی سالم صفوی اگر یک سده دیگر ثبات را پشت سر می‌نهاد و به قرن نوزدهم می‌رسید چه وضعی پیدا می‌کرد. جای هیچ تردیدی نیست که تحول اقتصاد شهری شدیداً دچار پسرفت شد و در سده هجدهم (۱۰۷۹ تا ۱۱۷۹ ش) راه بر هر نوع تحول به سوی سرمایه‌داری بسته ماند - البته در صورتی که فرض کنیم در اوج رونق دولت صفوی چنان راهی اصولاً وجود داشته است. در یک تحول مربوط، دولت که تنها بازیگر محوری اقتصادی در صورتبندی اجتماعی بود، تضعیف شد، افغانها، افشاریه و زندیه آن قلمرو گسترده سلطنتی صفویه را نداشتند، ساختمان‌سازی و امور زیربنایی تجاری بسیار کمتری انجام شد. آنان همچون صفویه قاطعانه بر بازرگانی ابریشم، انحصار دولتی اعمال نمودند (و از همه مهمتر اینکه حجم ابریشم صادراتی آفت بسیار نمایانی کرد) و در اغلب موارد بر منابع بمراتب کمتری اعمال کنترل می‌کردند. این امر دولت را از نظر سیاسی نیز تضعیف کرد و اثرات آن در سده بعد نمودار گردید. نقش

قبیله‌ها هم طی سده‌های هفدهم (۹۷۹ تا ۱۰۷۹ ش) و هجدهم (۱۱۷۹ تا ۱۲۷۹ ش) عوض شد: در حالی که قدرت‌گیری افغانها، افشاریه، زندیه و سرانجام قاجاریه، طی جنگهای قبیله‌ای، نظریه «احیای قبیله‌ای» لمبتون را تأیید می‌کند، اما می‌بینیم به جز قاجاریه هیچیک از این قبیله‌ها نتوانستند مدت زیادی بر اریکه قدرت باقی بمانند. افغانها بدان دلیل که مداخله‌گرانی اجنبی بودند مردود شناخته شدند، افشاریه با سودای جهانگشایی نادر آمدند و با مرگ او سقوط کردند؛ زندیه نیز به رغم آن همه وجاهت کریمخان نتوانستند سلطنت دودمان خود را استحکام و ثبات بخشند. پاره‌ای از ایلات و قبایل تلاش کردند در قلمرو محلی خود و در محدوده‌های شیوه تولید چادرنشینی شبانکاره قدرتی ایجاد کنند اما رهبران آنها به عنوان مدعیان تاج و تخت در میان چندین گروه از طبقات حاکم ایران، هرگز به موقعیت سرکردگی که آن همه در سده شانزدهم (۸۷۹ تا ۹۷۹ ش) در راهش جنگیده بودند دست نیافتند. سرانجام در سده هجدهم (۱۰۷۹ تا ۱۱۷۹ ش) با درهم شکسته شدن نظام زهکشی و آبیاری و جابجایی قشون، دهقانان بیش از اعضای قبیله‌ها دستخوش رنج و ستم شدند. گذشته از بلایای طبیعی، با حرکت یک قشون، دار و ندار دهقانان از دستشان به در برده می‌شد، مردانشان را برای جنگ به قشون می‌بردند و دولت نیز مالیاتهای سنگینی از آنان مطالبه می‌کرد.

در خاتمه باید گفت هرچند از نظر داخلی از سده شانزدهم (۸۷۹ تا ۹۷۹ ش) تا سده هجدهم (۱۰۷۹ تا ۱۱۷۹ ش)، همه شیوه‌های تولید دست‌نخورده باقی ماند اما همگی همانند دولت به عنوان یک واحد اقتصادی به نحو آشکاری تضعیف شدند و مجموع سهم هر یک از آنها به عنوان یک صورتبندی اجتماعی در سال ۱۸۰۰م/۱۱۷۹ش بمراتب کمتر از این سهم در دهه ۱۶۲۰م/۱۰۰۰ش یعنی زمان شاه‌عباس شده بود. سده هجدهم (۱۰۷۹ تا ۱۱۷۹ ش) سده تحول وارونه در مقیاسهای عظیم بود و پیامدهای آن در رابطه با فرصتهای عظیم از دست رفته، اثرات منفی خود را بر ایران سده‌های نوزدهم (۱۱۷۹ تا ۱۲۷۹ ش) و بیستم (۱۲۷۹ تا ۱۳۷۹ ش) بر جای نهاد.

از نظر خارجی، سده هجدهم (۱۰۷۹ تا ۱۱۷۹ ش) سده کاهش روزافزون تماسهای درحال گسترش ایران زمان شاه‌عباس با غرب بود. این کاهش جنبه صرفاً کیفی یعنی گرایش به نوعی وابستگی درحال شکل‌گیری نداشت، بلکه مطلق بود. به این معنی

که در دهه‌های ۱۷۸۰م/۱۶۰ش و ۱۷۹۰م/۱۷۰ش هر نوع تماس ایران با غرب قطع شد. اروپاییان بازیگران عمده صحنه سیاسی پرآشوب سده هجدهم (۱۰۷۹ تا ۱۷۹۰ش) ایران نبودند اما به گونه‌ای عنصر از دست‌رفته اقتصاد سیاسی ایران در زمان افغانها، افشاریه و زندیه محسوب می‌شدند. خود این موضوع نشانه کاهش قدرت دولت در اواخر دوران صفویه است. به تدریج که نظام جهانی سرمایه‌داری اروپا محور، در مسیر خطوط کشتیرانی به سوی هند، آسیای جنوب خاوری و قاره امریکا شکل می‌گرفت، مرکزیت خاورمیانه به عنوان حلقه واسطه روز به روز محسوس‌تر می‌شد. البته ایران نه آن تورم شدید و فشار نظامی را که بر عثمانی وارد می‌شد احساس کرد و نه مانند امپراتوری مغولی هندوستان در معرض رخنه استعمارگران قرار گرفت. توقف درازمدت ایران، در عرصه خارجی نظام جهانی بدان معنا بود که ایران قطعاً نخواهد توانست به صورت هسته قدرتمند یا حاشیه زیر سلطه تبدیل گردد. بدین ترتیب قطع تماس ایران با غرب در انحطاط تدریجی و نسبی نظامی، بازرگانی و سیاسی تأثیر نهاد و میراث سنگینی برای قاجاریه در سده نوزدهم (۱۱۷۹ تا ۱۲۷۹ش) برجای گذاشت. با این ترتیب به دلیل دور ماندن ایران از فرصتها و انگیزه‌ها [ی محرک سرمایه‌داری] با مواردی از انحطاط یک امپراتوری در نظام جهانی روبرو هستیم بی آنکه این کشور حالت وابستگی یا حاشیه‌ای پیدا کرده باشد. این مسیری متمایز در دیدگاه بین‌المللی تطبیقی بود که در مورد چین و ژاپن هم صدق می‌کند.

و سرانجام در زمینه فرهنگ سیاسی، سده هجدهم (۱۰۷۹ تا ۱۱۷۹ش) به گونه‌های مختلف حکم یک مرز و یک نقطه عطف را دارد. حکومت مطلقه صفوی به یکباره محو نشد بلکه بیرحمی و قساوت اشغال افغانها، دین التقاطی و توسعه‌طلبی نظامی نادرشاه و سرآغاز نادرست کار او و فقدان یک جانشین کارآمد برای کریمخان زند با وجود آن حکومت دادگرانه و معتدلی که در شیراز ایجاد کرده بود، یکی پس از دیگری پدید آمدند و سرانجام یک دودمان نسبتاً ماندگار جانشین اعقاب شاه‌عباس کبیر شد. هر یک از سه سلسله منقطع یاد شده - افغانها، افشاریه و زندیه - از نظر پایگاه مردمی و نخبگانی، ضعیف‌تر از صفویه بودند؛ و اما هیچ کدام از اینها از منابع مادی و ایدئولوژیکی که صفویه را به قدرت برتر ایران تبدیل ساخت برخوردار نبودند. بخصوص ناکامی کریمخان در تداوم بخشیدن به حکومت کارآمد و دادگرانه خویش،

یک فرصت بزرگ تاریخی را از ایران گرفت، اما با توجه به نبود زیربناهای گسترده داخلی و خارجی یا دعاوی پردامنه و دوررس نسبت به پادشاهی مشروع، چنان ناکامی، گریزناپذیر بوده است. شکستهای پیاپی در اعمال کنترل استوار مرکزی دارای اثرات تجمعی و فزاینده‌ای بر تضعیف نهاد سلطنت بود و چشم‌اندازهای استقرار یک دولت مطلقه به سبک صفویه را در آینده کم کرد.

تحول موازی دیگری که به همین اندازه اهمیت داشت گسسته شدن پیوند روحانیت با دولت بود، پیوندی که در زمان صفویه اوج تازه‌ای یافته بود. افغانهای سنی مذهب و نادرشاه کوشیدند آیین شیعه را از قلمرو دولت دور نگه دارند و آنرا از حالت دین ملی خارج سازند. کریمخان بطور رسمی آیین شیعه را احیا نمود. در همان حال که ایران عمدتاً بخشی از فرهنگ مذهبی شیعه را جذب کرد، روحانیت شیعه قدرت اقتصادی را که به صورت تولیت موقوفه‌های عظیم در اختیار داشت از دست داد؛ و در طول سده هجدهم (۱۰۷۹ تا ۱۱۷۹ ش) پیوندهای اقتصادی، خویشاوندی و ایدئولوژیکی خود را با طبقه‌های شهری بازار تقویت کرد. همان‌طور که حامد الگار می‌نویسد: «وفاداری مذهبی دیگر مترادف وفاداری به تاج و تخت نبود و آیین شیعه به عنوان یک نیروی خودسامان، استقرار یافته بود.»^(۴) پیدایش روحانیان برجسته به عنوان قطبهای مرجعیت فرهنگی و سیاسی به این فرایند کمک کرد، خاصه آنکه اصول‌گرایان بر لزوم وجود مجتهد برای تفسیر دین پافشاری داشتند. آیین شیعه به رغم آن همه جابجایی اقتصادی و سیاسی سده هجدهم (۱۰۷۹ تا ۱۱۷۹ ش) ماندگاری خود را به ثبوت رساند و مانند ملاط چسبنده‌ای جامعه ایرانی را یکپارچه نگاه داشت، اما جایگاه آن دیگر مشروعیت بخشیدن به پادشاهان نبود. از آن جایگاه پایین آمد و جنبه مردمی به خود داد.

بخش اعظم سده هجدهم (۱۰۷۹ تا ۱۱۷۹ ش) گذار از صفویه به قاجاریه، از مسیر هجوم افغانها، جهانگشایی نادرشاه در آسیا، از سرگیری دوباره جنگهای داخلی و سرانجام، تولد خونین دودمان قاجار بود. سده هجدهم (۱۰۷۹ تا ۱۱۷۹ ش) از بسیاری جهات پیوند فاجعه‌بار میان اقتصاد سیاسی امیدبخش سده هفدهم (۹۷۹ تا ۱۰۷۹ ش) و صورتبندی اجتماعی سده نوزدهم (۱۱۷۹ تا ۱۲۷۹ ش) را فراهم کرد. تحولی باثبات که بمراتب شکننده‌تر بود. ایرانیان در این دوره رنج زیادی را متحمل شدند که اثرات آن

دیرپا بود. مطالعه مسیرهای نظام حاصل، به روشنتر شدن اوضاع سمت‌گیری جدید کمک خواهد کرد. محدوده‌های این وضعیت با دستاوردهای زمان گذشته - گذشته‌ای که دیگر وجود ندارد - سنجیده می‌شود.

7. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دولت‌های سلطه‌گر و در رأس آنها امریکا، دست به توطئه‌ها و فعالیت‌های زیادی برای تضعیف و نابودی نظام جمهوری اسلامی زدند. دو مورد از این فعالیت‌ها را ذکر کنید.

8. عبارت صحیح و غلط را با علامت * مشخص کنید.

غلط	صحیح
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

الف. فرهنگ از طریق وراثت از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

ب. برخی از ویژگی‌های هویتی ما ثابت و برخی متغیرند.

ج. مدرسه نخستین کانون اجتماعی شدن هر فرد است.

9. پروانه می‌خواهد به یک دانش‌آموز خارجی که به ایران سفر کرده است، درباره ویژگی‌های هویت ایرانی توضیح دهد. به او کمک کنید که دست کم به 4 ویژگی هویت ایرانی اشاره کند.

الف. ما ب.

ج. د.

فصل نهم

10. متن زیر را بخوانید و هنجار، ارزش و نماد را در آن مشخص کنید و زیر آن خط بکشید.

... قایق به ساحل نزدیک می‌شد. یکی از سرنشینان قایق پرچمی را بالا برد. رئیس قبیله که روی ساحل ایستاده بود پرچم را شناخت و فهمید این گروه خودی است و به استقبال آنها رفت و گفت: زود پیاده شوید، پناه دادن و کمک کردن به کسانی که با دشمن ما می‌جنگند، وظیفه ما است. پس از یک ساعت تعدادی از مردان قبیله چنان که رسم آنجا بود با دست زدن و چرخیدن به دور مهمان‌ها، سینی‌های غذا را بر زمین گذاشتند....

11. یک مورد از کارکردهای خانواده را نام ببرید و توضیح دهید.

12. الف. معنی لغوی «صله ارحام» را بنویسید. ب. فایده صله ارحام چیست؟

فصل دهم

13. به نظر شما برای رفع ناسازگاری بین والدین و فرزندان چه اقداماتی می‌توان انجام داد؟ دو پیشنهاد و یا راهکار بنویسید.

<p>بارم 0/5</p>	<p>14. نوع حکومت کشور ما «جمهوری اسلامی» است. کلمه «جمهوری» به چه معنا است؟</p> <p> <input type="checkbox"/> برگزاری همه پرسی <input type="checkbox"/> ولایت یا سرپرستی فقیه <input type="checkbox"/> اداره کشور با اصول و قوانین اسلامی <input type="checkbox"/> حق انتخاب و مشارکت مردم در حکومت </p>
<p>1/25</p>	<p>15. الف) مالیات و عوارض چه تفاوتی با هم دارند؟ ب) در مورد عوارض، یک مثال بزنید.</p>
<p>0/75</p>	<p>16. یکی از حقوق شهروندی، «<u>حق برخورداری از رفاه و تأمین اجتماعی</u>» است. این حق را از طریق 3 مثال، توضیح دهید.</p>

<p>1</p>	<p>17. ضمن یک مثال، بگویید انجام دادن کارها از روی آگاهی، چگونه به بهره‌وری کمک می‌کند؟</p>
<p>1</p>	<p>18. فرض کنید شما می‌خواهید به دانش‌آموزان یا مردم یک منطقه درباره «اقتصاد مقاومتی» توضیح دهید یا توصیه‌هایی بکنید. در یکی دو سطر برداشت خود را از اقتصاد مقاومتی بیان کنید.</p> <p>.....</p> <p>.....</p>
<p>0/5</p>	<p>19. مدیر یک کارخانه بیسکویت‌سازی قصد دارد با یک اقدام، به «بهره‌وری سبز» کمک کند. کدام فعالیت برای این موضوع مناسب است؟</p> <p> <input type="checkbox"/> الف. میزان شکر بیسکویت‌ها را افزایش دهد. <input type="checkbox"/> ب. پاداش کارگران را زیاد کند تا تولید بیشتر شود. <input type="checkbox"/> ج. در بسته‌بندی بیسکویت، تغییری به وجود بیاورد که پلاستیک و کاغذ کمتری مصرف شود. <input type="checkbox"/> د. دستگاهی بخرد که تعداد بیشتری بیسکویت را در یک ساعت بسته‌بندی کند. </p>

(بخش اختیاری) دانش آموز عزیز لطفاً در این بخش فقط دو فصل را انتخاب کنید و به سؤالات همان دو فصل پاسخ دهید.

بارم
0/5

1. جهت قبله در کشور ما به کدام سمت است؟

جنوب غربی

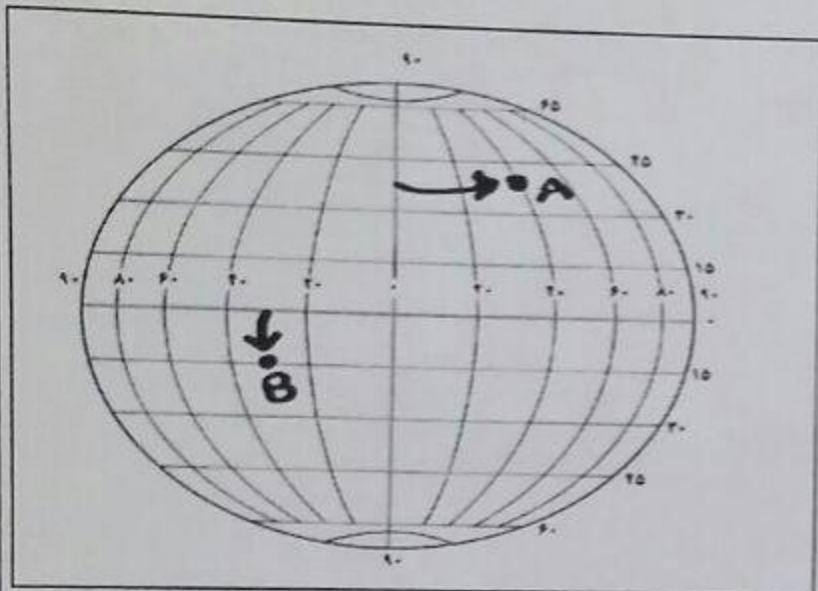
جنوب شرقی

جنوب

شمال غربی

1

2. الف) چرا در زندگی روزانه از ساعت رسمی به جای ساعت واقعی استفاده می‌کنیم؟ ب) کاربرد ساعت واقعی در زندگی روزانه چیست؟ (یک مورد)



1

3. با توجه به شکل مقابل موقعیت نقاط A, B (طول یا عرض جغرافیایی) را بنویسید.

.....A

.....B

فصل
اول

0/75

4. زیست کره برای حیات خود بر روی سیاره زمین به سه محیط نیاز دارد. این سه محیط کدامند؟

0/75

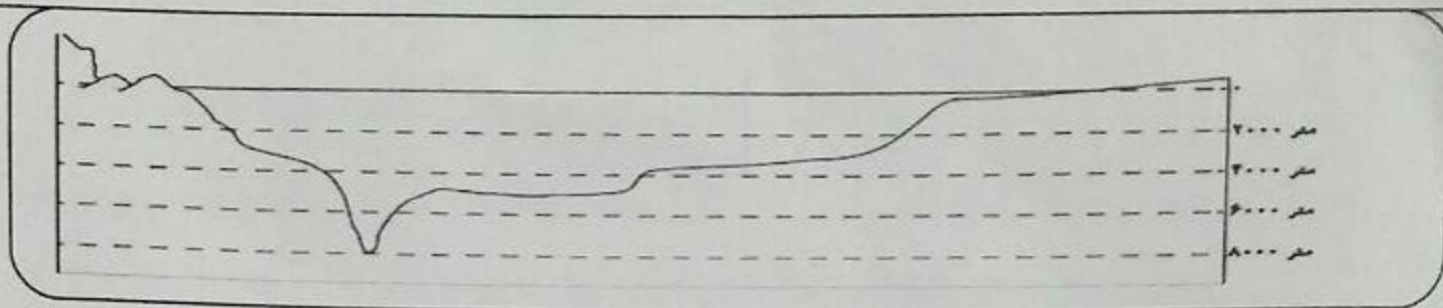
5. یکی از مشکلات امروز سیاره ما، «گرم شدن کره زمین» است. فرض کنید از شما خواسته‌اند برای منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کنید یک پیشنهاد بدهید که به جلوگیری از گرم شدن کره زمین کمک کند. پیشنهاد شما چیست؟

من پیشنهاد می‌کنم:

فصل
دوم

1

6. الف) روی تصویر صفحه بعد، محل شیب قاره، فلات قاره و گودال اقیانوسی را با علامت بزنید و بنویسید. ب) در کدامیک از این سه منطقه، نفت تشکیل و استخراج می‌شود؟



7. شماره گزینه مناسب را در کنار عبارت بنویسید.

الف. زیست بومی با علفزارها و تک درختان منفرد ()

ب. زیست بومی که بیشترین تنوع زیستی جهان را دارد. ()

ج. زیست بومی با آب و هوای سرد که در آنها سوزنی برگ ها و مخروطیان غلبه دارند. ()

د. زیست بومی با باران سالیانه کمتر از 50 میلی متر و بوته های خاردار ()

1. تایگا
2. توندرا
3. ساوان
4. بیابان
5. جنگل های استوایی

8. الف. چرا به جنگل های استوایی «ریه های زمین» می گویند؟ ب. یک راهکار خردمندانه برای حفاظت از جنگل های آمازون بنویسید.

9. کدام عناصر آب و هوایی بیشترین تأثیر را بر میزان پوشش گیاهی یک منطقه دارند؟ نام ببرید.

10. الف) مهاجرت اختیاری چه تفاوتی با مهاجرت اجباری دارد؟ ب) در مورد هریک، مثال بزنید.

11. چرا بالا بودن میزان امید به زندگی یا متوسط عمر یکی از عوامل بالا بودن توسعه انسانی کشورها محسوب می شود؟ توضیح دهید.

12. الف) میزان ثروت مادی و رشد اقتصادی کشورها را با چه معیارهایی اندازه گیری می کنند؟ نام ببرید. ب) کدام عامل خارجی بیشترین تأثیر را در نابرابری اقتصادی در جهان دارد؟

<p>بارم 0/75</p>	<p>13. عبارت صحیح و غلط را با علامت * مشخص کنید.</p> <p>الف. شاه اسماعیل صفوی توانست پرتغالی‌ها را از سواحل و جزایر ایران دور کند. <input type="checkbox"/> صحیح <input type="checkbox"/> غلط</p> <p>ب. در دوره صفویه رونق و اهمیت صنعت بافندگی ایران مانند صنایع نساجی اروپا بود. <input type="checkbox"/> صحیح <input type="checkbox"/> غلط</p> <p>ج. مهم‌ترین علت شکست ایران از عثمانی‌ها در نبرد چالداران بروز تفرقه و اختلافات داخلی بود. <input type="checkbox"/> صحیح <input type="checkbox"/> غلط</p>	<p>فصل پنجم</p>
<p>0/75</p>	<p>14. سه دلیل گسترش و رونق تجارت در دوره صفویه را بنویسید.</p>	
<p>1</p>	<p>15. با روی کار آمدن حکومت صفوی چه تغییرات مهمی در ایران به وجود آمد؟ (دو مورد)</p>	
<p>1</p>	<p>16. الف) علت تحمیل عهدنامه گلستان از طرف روسیه به ایران چه رویدادی بود؟ ب) در عهدنامه ترکمانچای چه مفادی به ضرر ایران گنجانده شد؟</p>	
<p>1</p>	<p>17. چرا ناصرالدین شاه مجبور شد امتیاز تنباکو را که به شرکت انگلیسی واگذار کرده بود، لغو کند؟ توضیح دهید.</p>	
<p>0/5</p>	<p>18. من کیستم؟</p> <p>... در جریان جنگ‌های روسیه متوجه پیشرفت‌های نظامی آنها شدم و بی‌بردم که برای تغییر کشور باید اقداماتی انجام دهم. عده‌ای را برای فراگیری علوم و فنون جدید به انگلستان فرستادم و برای آگاهی مردم از اوضاع کشورهای اروپایی، دستور دادم کتاب‌هایی را در موضوع تاریخ آن کشورها به فارسی ترجمه کنند. من ولیعهد بودم و ...</p> <p>(.....)</p>	<p>فصل ششم</p>

